فهرست

[مقدمه 2](#_Toc117420139)

[ظهور اول 2](#_Toc117420140)

[ظهور دوم 3](#_Toc117420141)

[ظهور سوم 3](#_Toc117420142)

[ظهور چهارم 4](#_Toc117420143)

[ظهور پنجم 4](#_Toc117420144)

[ظهور ششم 4](#_Toc117420145)

[راه‌حل اول 5](#_Toc117420146)

[راه‌حل دوم 6](#_Toc117420147)

[راه‌حل سوم 6](#_Toc117420148)

[جمع‌بندی 8](#_Toc117420149)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

بحث در دلیل یازدهم از ادله حرمت نظر با ریبه بود گرچه در کلمات نبود اما امکان استدلال وجود دارد. دلیل یازدهم شامل چند روایت بود روایاتی که به مضمون النظرة الاولی لک و ثانیة علیک لا لک این روایات عمدتاً در باب 104 از ابواب مقدمات نکاح بود و احیاناً بعضی از روایات با همین مضمون در مستدرک آمده و ظاهراً به هشت یا نه و قریب به ده روایت می‌رسد با کمی تفاوت در الفاظ و تعابیر ظاهر روایات این است که نگاه نخست و نگاه متعاقب آن تفاوتی دارد و این تعبیر در سه چهار روایت صراحتاً آمده و در برخی مضمون آن آمده که النظرة الاولی لک و ثانیة علیک لا لک و در برخی دارد الثالثه فیها الهلاک در باب سند این روایات سابق کامل بحث کردیم و به گمانم هیچ‌کدام سند تامی نداشت و بهترینش در من لایحضر بود که سند آن عن أبی عمیر عن الکاهلی روایت را نقل کرده که آن‌هم بی‌اشکال نیست ولی مجموع روایات به سادگی نمی‌شود آن را کنار گذاشت شاید کسی بتواند یک نوع وثوق خبری برای آن بگیرد علی‌رغم این که وثوق مخبری ندارد.

وجه استدلال را دیروز اشاره کردیم و بعد گفتیم جهاتی از این روایات وجود دارد که به چند تا اشاره کردیم و به‌بیان‌دیگر در تحقیق مسئله باید این‌طور بیان کرد که چهار پنج ظهور و قریب به ظهور در این روایت وجود دارد که جمع نمی‌شود این گره‌ای که در کار است و آنچه در استظهار از روایت وجود دارد این است که جمع بین چند ظهور در این روایات دشوار است. این ظهورات به ترتیبی است که دیروز گفتیم و کنار هم قرار می‌دهیم و می‌بینیم که نمی‌شود این‌ها را در کنار هم پذیرفت:

# ظهور اول

1. یک ظهور این است که این روایت مولوی است و ارشادی نیست و اصل در خطابات این است که مولوی است اصل این است که لَک و علیک حکمی را بیان می‌کند نه ارشاد به یک واقعیت . ممکن است کسی برخلاف این اصل اولی بگوید که این روایت که می‌فرماید النظرة الاولی لک و ثانیة علیک لا لک اشاره می‌کند به یک واقعیت خارجی نگاه‌های ابتدایی و اولین نگاه رهزن نیست و اگر کسی به دام آن بیفتد و ادامه دهد به گرفتاری می‌افتد ممکن است کسی بگوید این ارشاد به واقعیت خارجی است و نمی‌خواهد حکمی را بگوید و یکی جایز است و یکی جایز نیست. ولی ضمن این ارشادیت تا حدی به ذهن می‌نشیند ممکن است این روایت در مقام حکم نباشد و می‌خواهد بگوید انسان در معصیت و گناه و اقداماتی که با دیگران دارد هرچقدر متمرکز در نگاه شود در دام می‌افتد ولی اگر نگاهی قهری یا عمدی حتی گناه افتاد ولی خود را نگهداشت این قابل‌گذشت است نه این که جایز است این‌یک بحث است که ظاهر اولیه این نیست و خطابات را حمل می‌کنیم بر حکم مولوی و لک و علیک حکم را بیان می‌کند لک یعنی مباحٌ ولو به اباحه به معنیَ العام که شامل کراهت هم می‌شود این ظاهر خطاب اولیه این است که دارد حکم می‌دهد و حکم هم مولوی است. پس یکی از سؤال‌ها این است که این روایت حکم مولوی می‌گوید یا ارشاد به یک حقیقتی است اگر ارشاد به آن باشد نگاه اول و دوم ازلحاظ مراتب ورود شخص به گناه متفاوت است و اگر کسی اصرار نکند بیشتر می‌تواند خود را نگه دارد برخلاف کسی که متمرکز شود و به نگاه ادامه دهد اگر این روایت ارشادی باشد در فقه خیلی به آن استشهادی نمی‌کنیم و پرونده آن بسته می‌شود. ارشادی است البته ارشاد خوبی است و ارشادش این است که ازنظر روحی روان‌شناختی گام اول را کسی بردارد ولی خود را نگه دارد امید به بازگشت است یا گناه در آن نیست یا خفیف است که می‌تواند جمع‌وجور شود اما گام‌های بعدی را کسی بردارد به فیها الهلاک می‌رسد این ارشادی گرفتن یک وجه است ولی ظاهر این است که مولوی است می‌گوید اولی حلالٌ ولو به حلیت به اباحه به معنی العام این ظهوری است که وقتی مولویت را پذیرفتیم و اصل را بر آن قرار دادیم وارد فضایی می‌شویم که روایت حکمی را افاده می‌کند با حکم اول هم اباحه و آزادی و حلیت است.

# ظهور دوم

1. اولی و ثانیه مفاهیمی است که صراحت دارند و حمل بر ظاهر صراحی می‌شود نه یک امر کنایی این هم‌عرض کردیم که ممکن است کسی بگوید اولی و ثانی یعنی نگاه اول و نگاه دوم که عرف می‌گوید البته قبلاً گفتیم نگاه اول و دوم گاهی اول به معنای لحظه متعارفی است که نگاه می‌کند و ثانیه یعنی لحظه دومی که نگاه قطع شد و مجدداً افکنده شد ولی در جای که نگاه را استمرار دهد و بیش‌ازحد متعارف باشد نگاه ثانیه می‌شود اولی و ثانیه یعنی به معنای عرفی و غیر کنایی یعنی نگاه اول و نگاه دوم که ظاهر تعبیر هست یا اولی و ثانی که کنایه از لذت و عدم لذت است اولی یعنی آنکه در آن لذتی نیست و نگاه دوم یعنی نگاهی که در آن التذاذ است گفتیم که دو سه مدل کنایه می‌توان تصور کرد در اینجا هم میگوییم ظاهر همان معنای اولی و ثانیه است معنای صراحی است.

# ظهور سوم

1. در نظره دو احتمال وجود دارد یا اختیاری است یا غیر اختیاری اصل این است که ظاهر این است که اختیاری است یا اختیاری را هم میگیرد و نگاه نخستین یعنی نگاهی است که با عمد است یا مقصود بر اساس ظهور نگاه اختیاری است یا مطلق نگاه است که نگاه اختیاری را هم میگیرد و همان‌طور که نظره ثانیه عمدی است نظره اولی هم شامل عمدی می‌شود و نقطه مقابل این است که نظره اولی اتفاقی است کما اینکه آقای خویی این‌طور می‌فرماید. ظهور سوم حمل نظره است و نظره ای که شامل اختیاری هم می‌شود چه در نظره اول چه در نظره دوم. قبل از این که به ظهور بعدی برسم در یادداشت های من این‌طور آمده است که فی تفسیر هذا الاخبار از جهت اختیاریت آرائی است که اول نوشته‌شده أنَ المراد من النظره نظرتان متعمدتان و مال الی هذه الرأی صاحب الشرایع و العلامه یعنی علامه و شرایع گفته‌اند نظره اولی هم نظره متعمده است یا لااقل آن را هم میگیرد و در نقطه مقابل این است که نظره نگاه است که حتماً شامل عمدی و غیرعمدی می‌شود البته اینجا نوشتیم که در نقطه مقابل گفته‌شده مراد من النظره الاولی النظرة الاتفاقیه و غیر العمدیه مال الیه الصاحب الحدائق و صاحب الجواهر و سید الخویی این بزرگان گفته‌اند نظره اولی اتفاقیه است مثلاً جایی که راه می‌رود و نگاهش افتاد به نامحرم و التذاذ غیرعمدی حاصل شد.

# ظهور چهارم

1. وضع اختیاری و غیر اختیاری اعم از نگاه عمدی که قصد در آنجا بالذات است یا بالعمد قصد نگاه یا قصد لذت گاهی عمدی و بالذات است و هدفش از اقدام التذاذ است اما بالغیر هدفش چیز دیگری است ولی می‌داند نگاهش می‌افتد.

# ظهور پنجم

1. در منظور علیه هم قائل به اطلاق باشیم می‌گوید «أَوَّلُ‏ نَظْرَةٍ لَكَ‏ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّالِثَةُ فِيهَا الْهَلَاك»[[1]](#footnote-1)‏ «النظرة الاولى لك و الثانية عليك‏»[[2]](#footnote-2) نگاه به چیزی که طیفی از امور را شامل می‌شود مثل نگاه به وجه و کفین که برخی گفته‌اند این نگاه مقصود نگاه به وجه و کفین است و لذا جز طایفه سوم در بحث سابق ما است یک طایفه می‌گفت نگاه به وجه و کفین جایز است یک طایفه می‌گفت حرام است و این هم طایف سوم است که می‌گوید نگاه به وجه و کفین درنظره اولی جایز و در نظره ثانی حرام است. یا اینکه منظور علیه اعم از وجه و کفین باشد و نظره اولی به وجه و کفین یا اعضای دیگر و مطلق محرمات است اگر اطلاق را بگیریم النظره الاولی لک یعنی نگاه به هر قسمتی از اعضای جنس مخالف یا موافق که نگاه به آن حرام است هرجایی باشد نظره اولی لک لا علیک .

# ظهور ششم

1. این نگاه اعم از نگاه با التذاذ و ریبه یا بدون این‌ها ممکن است بگوییم در این سؤال هم اطلاق دارد النظرة الاولی لک و ثانیة علیک لا لک اعم است از اینکه هر یک از این دو با التذاذ و ریبه باشد یا نباشد و این هم یک ظهور است.

این شش ظهور است که تفاوت دارند ولی فی‌الجمله می‌توان گفت این روایات شش ظهور رادارند. همه قبول دارند که این شش ظهور را نمی‌توان باهم قبول کرد چون نتیجه‌ای می‌دهد که فقیه نمی‌تواند به آن ملتزم شود با ارتکازات شرعی سازگار نیست برای اینکه اگر کسی این اطلاق را بپذیرد باید بگوید نگاه اول عمدی بالذات با ریبه والتذاذ به هر عضوی از جنس موافق و مخالف که به آن حرام است جایز است. این را قطعاً نمی‌توان پذیرفت ارتکاز محکمی مقابل آن وجود دارد. اگر شش ظهور را کنارهم قرار دهیم دایره وسیعی در مدلول پیدا می‌شود که یک گوشه‌اش همین است که گفتیم نگاه اول عمدی بالذات با ریبه والتذاذ به هر عضوی از جنس موافق و مخالف که به آن حرام است جایز است گویا این روایت حکومتی دارد بر همه ادله‌ای که گفتند این نگاه حرام است این روایت حاکم می‌شود به نحو حکومت یا تخصیص که نگاه اول با همه این‌هایی که گفتیم حرام نیست ولو نگاه اول عمد قصد بالذات باشد این حد را نمی‌توان پذیرفت حتی پایین‌تر از این حد را هم شاید نتوان پذیرفت بنابراین این روایت علی‌رغم استواری که دارد در این مضمون و این ظهورات هم عمدتاً قابل‌قبول است البته بعضی سست‌تر است به هر صورت نمی‌توان به آن تن داد شبیه این در بحث روابط اجتماعی است در باب ایذاء دیگران آنجا هم گفتیم ایذاء دیگران روایت محکمی دارد که حرام است حتی ایذاء مؤمن کبیره است ولی اطلاقش نمی‌تواند هیچ ارتکاز شرعی آن را بپذیرد علی‌رغم این که آنجا روایات متعدد است و معتبر است ولی ارتکاز نمی‌گذارد آن را پذیرفت اطلاقش پذیرفته نیست این قانون کلی است ماشاءالله در فقه با این موارد مواجه هستیم که اصل دلالت با ارتکاز مخالف نیست بلکه اطلاق یک روایت یا ظهور یا مجموعه ظهورات روایت با ارتکاز روشن منافات دارد ارتکازات متشرعه اگر ناب و خالص باشد بسیار ارزش دارد و سال قبل در اصول ارتکازات را مفصل بحث کردیم و تأکید شد که ارتکازات را به سادگی نمی‌توان کنار گذاشت البته ارتکازات سست است که معلوم نیست از کجاست این‌ها مهم نیست ولی برخی ارتکازات روشن است که از دل شرع بیرون آمده و ریشه در مضامین شرعی دارد البته مخالفت ارتکاز با دلیل علی قسمین است:

1= ارتکازی که مخالف اصل دلالت باشد

2- ارتکازی با اطلاق دلیلی سازگار نیست مثل دلیل ایذاء

# راه‌حل اول

در اینجا ارتکاز با مجموعه ظهورات سازگار نیست و اگر بخواهیم سازگار کنیم باید از یکی از این‌ها دست‌برداریم مثلاً بگوییم این روایات مخصوص وجه و کفین است کما اینکه نظر برخی از بزرگان‌ هم همین است ظاهر روایت در نظره اولی و ثانی نظر به وجه و کفین اجنبیه است و ممکن است کسی بگوید نگاه اول اگر التذاذ را کنار بگذاریم و بحث وجه و کفین است و عموم و اطلاق همه اعضا را برداریم و اطلاق التذاذ را هم برداریم این دو ظهور را قید بزنیم و برداریم و بگوییم النظره الاولی یعنی النظره الی الوجه والکفین من الاجنبیه من غیر قصد الالتذاذ این دو قید را اگر بزنیم دیگر با ارتکازی مخالف نیست و می‌گوید نگاه به وجه و کفین اجنبیه بنابراین که اصلش حرام است در نگاه اول مانعی ندارد.

سؤال: اگر از غیر پیامبر اکرم بود این روایت معمولاً وجه و کفین منظور بود ولی الآن که نبوی است باید ببینیم قبل از آیه حجاب بوده یا بعد از آیه حجاب اگر قبل از آیه حجاب باشد غیر از وجه و کفین هم باز بوده است؟

جواب: این را یا بگوییم وجه و کفین است یا با تعبیری که شما میگویید وجه و کفین و اعضایی که حالت عادی مکروه بوده است که این‌ها مقداری اوسع است از آن اگر قبل از بحث حجاب بوده باشد ممکن است که بعدش بوده باشد بنابراین دایره منظور علیه را محدود کنیم و قصد بالذات التذاذ را هم از آن خارج کنیم در این صورت این مقبول است در این صورت روایت مفصله در بحث و وجه و کفین است.

سؤال: نیاز به قرینه ندارد؟

جواب: بله دارد و ما داریم فرض می‌گیریم.

سؤال: خود ارتکاز قرینه می‌شود؟

 جواب: در بعدی‌ها هم ارتکاز دارد ارتکاز می‌گوید باید تصرفی در این شش ظهور بکنیم حالا این که کدام‌یک از این تصرفات را انجام بدهیم از ارتکاز بیرون می‌رویم اولین راه‌حل این بود که بگوییم مقصود از منظور علیه وجه و کفین است و قصد بالذات التذاذ هم ندارد این دو را از اطلاق بیرون می‌آوریم و قصد بالذات التذاذ هم بیرون می‌رود بقیه مشکلی ندارد منتها با این ترتیب این روایت مفصله می‌شود در بحث وجه و کفین که باید آن را معالجه کرد با دو طایفه دیگر که معالجه را هم قبلاً گفتیم در جلسه 75 و 76 در باب نگاه این را عرض کردیم.

# راه‌حل دوم

بگوییم دست از ظهور اختیاریت در فراز اول برداریم و بگوییم النظره الاولی لک یعنی نگاهی که برحسب اتفاق افتاد و در این صورت حاوی حکم برای یک عمل اختیاری نیست و از اختیاریت دست برداشته شد و حکم عقلی که در احکام وجود دارد مشروط به اختیار و عمد است و در اینجا عمدی در کار نیست اگر از این دست‌برداریم می‌توان اطلاقات دیگر را حفظ کرد. همه نگاه‌ها اگر درجایی حتی اگر همراه با التذاذ تولید لذت شود و به هر عضوی نگاه افکنده شود اگر عمدی نباشد مانعی ندارد و غیرعمدی مانعی ندارد پس اگر یک قید را برداریم ارتکاز حل می‌شود و با بقیه مانعی ندارد.

سؤال: ...

جواب: این نوعی ارشاد و توجه به این است چون گاهی خیلی زیاد است و ممکن است این را ارشاد می‌کند که تا وقتی اختیاری نیست اشکالی ندارد. این‌یک تقریر بحث دوم است و میگوییم ارشاد می‌کند به چیزی که غیر اختیاری است و ارشاد به‌قاعده عقلیه در اولی است و بقیه هم طبق قواعد شرعیه است.

سؤال: ارشاد نباید غرض عقلایی داشته باشد؟

جواب: چرا باید داشته باشد و غرض عقلایی این است که خیلی از آدم‌ها مبتدا هستند

# راه‌حل سوم

 ممکن است کسی این ارشاد را به این شکل معنا بکند که نظره اولی شامل اختیاری و غیر اختیاری و اختیاری بالعرض می‌شود که ما این را ترجیح دادیم سابق و گفتیم این روایت می‌خواهد بگوید نگاه‌های نخستین که افکنده می‌شود نگاه‌ها یک‌وقتی عامدانه و بالذات دنبال لذت است این نه اما نگاه‌هایی که غیر اختیاری است یا حالت بینابین دارد یعنی قصد بالعرض دارد او زندگی متعارف دارد ولی به‌هرحال می‌داند که در طول این معاشرت‌های زندگی با نگاه به نامحرم مواجه می‌شود می‌توان گفت نرو ولی این روایت می‌گوید چنین چیزی لازم نیست النظرة الاولی یعنی اعم از این که اختیاری نیست یا اختیاری به‌قصد بالعرض وجود دارد نه به‌قصد بالذات و در این روایت می‌گوید نگاه با قصد بالعرض معفو است این وجه هم نامعقول نیست و روایت تصریح می‌کند که روایت عام اجتماعی مواجه با نگاه به نامحرم است و این که انسان می‌داند با این نگاه مواجه می‌شود می‌تواند آن اقدام را انجام ندهد روایت می‌گوید این مانعی ندارد النظرة الاولی شامل قصد اختیاری و غیر اختیاری بالعرض هم می‌شود و این نظره ثانیه آن چیزی است که با قصد بالذات است این قابل‌قبول نیست و با این راه ارتکاز از بین می‌رود.

بنابراین :

1. یک‌راه این است که بگوییم منظور علیه فقط وجه و کفین است.
2. یک‌راه این است که بگوییم نظره اولی غیر اختیاری است که ارشاد محض می‌شد.
3. یک‌راه این است که اختیاری و غیر اختیاری بالعرض است که کثیراً ما مردم با آن مواجه‌اند شبانه‌روز افراد با قصد بالعرض مواجه‌اند و می‌داند وقتی به خرید و بازار می‌رود افرادی هستند که مکشفه اند و نگاه به او هم میفتد.

سؤال: می‌داند که نگاهش به او می‌افتد یا اینکه عمداً به او نگاه می‌کند؟

جواب: نه نگاه می‌کند از عمد بینابین چون الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار و الوجوب بالاختیار لاینافی الوجوب اگر او به آنجا نرود نگاهش نمی‌افتد ولی می‌رود پس مقدماتش اختیاری است اختیاری بالعرض یعنی همین که می‌رود و نگاهش می‌افتد و ممکن است در آن لحظه اختیاری نداشته ولی اصل امر اختیاری است چون می‌توانست نرود در لحظه اختیاری ندارد ولی مقدماتش اختیاری است همیشه میگوییم الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار و گاهی هم برای آن مثال می‌زنیم اولین دوره‌ای که مجمع نمایندگان طلاب تشکیل‌شده بود ما هم در شباب الجاهلیت که جاهلیتش هنوز ادامه دارد رفتیم محضر آقا دوتا اتوبوس گرفتند نیم ساعت دیر رسیدیم و وقت رهبری را گرفتیم نشستیم و عذرخواهی کردیم و یکی از آقایان گفت آقا ببخشید در ترافیک گیر کردیم و آقا فرمودند الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار کسی که تهران می‌آید باید فکر ترافیک راهم بکند. یا مثل کسی که از برج صد طبقه خود را به پایین پرت می‌کند در لحظه اول که خود را می‌اندازد خود را نمی‌کشد ولی در لحظه مرگ اختیاری ندارد ولی میگویند مرگ اختیاری است. ممکن است بگوییم شارع تسهیلی قائل می‌شود در روابط اجتماعی و مرحوم شیخ انصاری هم می‌گفت ما این را قبول کردیم . ما سابق این احتمال را ترجیح دادیم که نظرة الاولی چه اصل نظر چه در التذاذ لَک. در اینجا تسهیلی قائل می‌شود نگاه غیرعمدی یا عمدی این‌گونه در زندگی خیلی وجود دارد می‌گوید تسهیل قائل شدیم.

سؤال: در سایر احکام هم نظیر هم دارد؟ مثل مکه که کسی می‌رود می‌داند قطعاً بدنش با نامحرم برخورد می‌کند.

جواب: این خیلی مصداق دارد ما سابق این را ترجیح دادیم و البته یک احتمال هم این است که بگوییم این روایت مجمل است و این احتمال را این‌گونه تقریر کردیم که نظرة اولی و ثانیه همه نگاه‌ها را میگیرد و التذاذ و ریبه را هم میگیرد و نظره اولی یعنی نگاهی که در آن قصد نیست یا قصد بالعرض است این همان است که مرحوم شیخ انصاری هم قبول است و می‌گفت التذذات بالعرض معفو است البته خیلی باید دقت کرد که بالذات و بالعرض جای وسوسه‌های شیطانی می‌شود.

# جمع‌بندی

 بنابراین عرضی که داشتیم این بود که این روایت شش ظهور دارد که جداجدا مانعی ندارد اما اگر جمع کنیم با ارتکازی ناسازگاری پیدا می‌کند که اگر بخواهیم آن را حل کنیم سه راه‌حل گفته شد که ممکن است چهار پنج راه دیگر هم گفت که باید یکی از این ظهورها را کم کرد تا به ارتکاز برخورد نکند و شاید اوسع ترین راه با کمک از خود ارتکاز این باشد که بگوییم باید در اولی قصد بالذات را بیرون ببریم و قصد بالعرض یا غیر قصدی را نگهداریم و این کمترین تصرف در ظهورات روایت است و با ارتکاز هم منافاتی ندارد.

1. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص193، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب104، ح8، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/193/%D8%A7%D9%84%D9%87%D9%84%D8%A7%D9%83) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [تفسير نور الثقلين، العروسي الحويزي، الشيخ عبد علي، ج4، ص517.](http://lib.eshia.ir/12024/4/517/%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%B8%D8%B1%D8%A9) [↑](#footnote-ref-2)